

## تعیین اولویت مالیات‌گیری از بخش‌های اقتصادی در جهت بهبود توزیع درآمد در اقتصاد ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی

سید مرتضی افقه، یعقوب اندایش و ناهید چناری \*

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۱۰/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۱

### چکیده:

توزیع نابرابر درآمد و ثروت در جامعه سبب بروز مشکلات بسیاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور خواهد شد. از آنجا که مالیات‌ها نقش اساسی‌تری را نسبت به سایر ابزارهای اقتصادی برای تعدیل توزیع درآمد و ثروت در جامعه بر عهده دارند، در این پژوهش تلاش شده تا اولویت مالیات‌گیری از بخش‌های اقتصادی در جهت کاهش نابرابری‌ها تعیین گردد. بدین منظور، با بهره‌گیری از ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ و استفاده از نرم‌افزارهای IO-SAM و MATS آثار و تبعات افزایش نرخ مالیات بر هر یک از بخش‌های اقتصادی بررسی شد. بعلاوه، کل اثرات به اثرات مستقیم و غیرمستقیم تفکیک شد. نتایج به دست آمده نشان داد که افزایش نرخ مالیات در بخش‌های وسایل نقلیه موتوری، خدمات حمل و نقل هوایی، بنزین، پست، مخابرات و خدمات پشتیبانی شاخص هزینه زندگی خانوارهای کم درآمد را کمتر افزایش می‌دهد و با توجه به اولویت ذکر شده می‌توان از آنها مالیات گرفت. اما در بخش‌های برق، نفت سفید، آرد، روغن‌های گیاهی و حیوانی، گوشت، محصولات لبنی، خدمات حمل و نقل جاده‌ای مسافر، چای و قند احتمالاً به دلیل مصرف بالای خانوارهای کم درآمد، شاخص هزینه زندگی این خانوارها بیشتر افزایش می‌یابد. بنابراین بهتر است از این بخش‌ها با اولویت بیان شده مالیات کمتری گرفته شود.

طبقه‌بندی JEL: H21، H24، H28، D58

واژه‌های کلیدی: مالیات، توزیع درآمد، شاخص هزینه، ماتریس حسابداری اجتماعی

\* به ترتیب، استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، مربی گروه اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز، کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه شهید چمران اهواز.  
(smafghah1@yahoo.com)

**۱- مقدمه**

نامتعادل بودن توزیع درآمد در جامعه اگر چه ممکن است در کوتاه مدت نمودی چندانی عینی در مسائل روزمره‌ی کشور نداشته باشد، اما در بلند مدت علاوه بر آثار سوء اقتصادی ممکن است زمینه‌ساز تنش‌های اجتماعی و سیاسی نیز باشد. توزیع درآمد و جهت‌گیری‌های اقتصادی به منظور تقسیم عادلانه فرصت‌ها و امکانات بین اقشار مختلف جامعه از جمله مواردی است که مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. دستیابی به هدف مذکور مستلزم استفاده صحیح از ابزارهای اقتصادی و غیر اقتصادی است که از جمله مهم‌ترین این ابزارها می‌توان از ابزارهای مالیاتی نام برد. یکی از ویژگی‌هایی که نظام مالیاتی مطلوب می‌بایست داشته باشد، آن است که تمام اقشار جامعه متناسب با مکتب مالی خود زیر پوشش مالیات قرار گیرند و درآمد و ثروت به شکل عادلانه در جامعه توزیع شود و در نهایت فاصله درآمدی کاهش یابد در این مطالعه سعی بر این است که به سوالات و سناریوهای زیر پاسخ داده شود:

- سوال ۱: مالیات‌گیری از کدام بخش‌های اقتصادی شاخص هزینه زندگی خانوارهای روستایی را بیشتر از خانوارهای شهری افزایش می‌دهد؟
- سوال ۲: مالیات‌گیری از کدام بخش‌های اقتصادی شاخص هزینه زندگی خانوارهای کم درآمد را بیشتر از خانوارهای پردرآمد افزایش می‌دهد؟
- سناریو ۱: با فرض اینکه ۴۰ درصد کم درآمد خانوارهای شهری و روستایی به صورت مستقیم مالیاتی پرداخت نکنند باید از کدام بخش‌های اقتصادی مالیات گرفت؟
- سناریو ۲: با فرض اینکه ۴۰ درصد کم درآمد خانوارهای شهری و روستایی به صورت مستقیم و غیر مستقیم مالیاتی کمتر از سایر خانوارها پرداخت کنند باید از کدام بخش‌های اقتصادی و با چه اولویاتی مالیات گرفت؟

**۲- ادبیات موضوع**

اقتصاد در جوامع غربی و کشورهای توسعه‌یافته تا حد زیادی وابسته به بخش خصوصی و عمده درآمدهای دولت وابسته به مالیات‌های پرداختی توسط شهروندان

آن کشورهاست (لئونید،<sup>۱</sup> ۲۰۰۱). یکی از مؤثرترین ابزارهای سیاستی که در اختیار دولت قرار دارد، مالیات است. دولت با استفاده از اهرم مالیات‌ها می‌تواند علاوه بر تأمین مالی هزینه‌هایش، در جهت نیل به اهداف سه‌گانه (ثبات اقتصادی، تخصیص منابع، توزیع درآمد) خویش حرکت کند. همان‌طور که ماسگریو<sup>۲</sup> (۱۹۵۹) بیان می‌کند مالیات در اقتصاد نقش‌های متفاوتی را ایفا می‌کند: تثبیت، تخصیص و توزیع درآمد. به عنوان مثال، دولت می‌تواند با اعمال مالیات بر تولید و یا مصرف کالایی خاص مانند کالاهای غیرضروری، تقاضا و تولید این کالا را کاهش دهد. بدین ترتیب منابع متمرکز شده بر روی تولید این کالا خود به خود به سمت تولیدات دیگر سوق می‌یابد. در حقیقت، دولت در این جا به وسیله اعمال مالیات رفتار بازار را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین، دولت به منظور دسترسی به ثبات اقتصادی و رهایی از بحران‌های ایجاد شده در اقتصاد، از اهرم مالیات‌ها به عنوان ابزار سیاست مالی می‌تواند به خوبی استفاده کند.

### ۳- مروری بر مطالعات تجربی

سان<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) مالیات‌های غیرمستقیم و یارانه‌ها را از جنبه رفاه در کشور تایلند در سال ۱۹۹۸ مورد بررسی قرار داد. بدین منظور از تابع رفاه اجتماع اتکینسون و مفهوم سطح هم‌ارز درآمدی توزیع برابر استفاده نموده است. نتایج نشان می‌دهد که پرداخت یارانه یا معافیت از اعمال هر گونه مالیات غیرمستقیم در مورد اقلام خوراکی مورد استفاده در منازل به تناسب افراد فقیر را بیشتر از ثروتمندان منتفع خواهد کرد و هر افزایش قیمت ناشی از اعمال مالیات و یا کاهش یارانه در مورد این اقلام به ضرر افراد فقیر خواهد بود. همچنین منافع خدماتی مانند آموزش بیشتر متوجه ثروتمندان بوده و دولت باید یک بازنگری اساسی در مورد هزینه‌های نظام آموزشی داشته باشد. در گروه‌هایی همانند حمل و نقل و ارتباطات، افزایش قیمت‌ها به افراد ثروتمند بیشتر آسیب می‌رساند و برای دولت مطلوب است که در قیمت‌های فعلی این گروه‌ها بازنگری داشته و به منظور کاهش نابرابری به افزایش قیمت آنها یا مشمول قرار دادن آنها اقدام کند.

<sup>1</sup> Leonid

<sup>2</sup> Musgrave

<sup>3</sup> Son

کریستاند<sup>۴</sup> و دیگران (۲۰۱۱) با استفاده از آمار و اطلاعات اقتصاد آلمان آثار افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده را بر سطح قیمت‌ها محاسبه نموده‌اند. در این مطالعه ۸ محصول مهم این کشور که شامل مالیات بر ارزش افزوده هستند مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که افزایش قیمت در محصولات مورد بررسی در مقایسه با برآوردی که حاصل از انتظارات تورمی در اقتصاد شکل گرفته بودند بسیار کمتر هستند و افزایش قیمت‌ها در حد پیش‌بینی اولیه نبوده است.

امیر<sup>۵</sup> و دیگران (۲۰۱۳) در مطالعه تجربی خود تحت عنوان اثرات اصلاحات مالیات بر درآمد، بر متغیرهای کلان و همچنین فقر و توزیع درآمد در اندونزی به این نتایج دست یافتند که کاهش مالیات بر درآمد شخصی و درآمد شرکت‌ها رشد اقتصادی را تحت پیش فرض بودجه متعادل افزایش می‌دهد و سیاست اصلاحات به کاهش کوچکی در فقر منجر می‌شود. با این حال این سیاست به دلیل اینکه کاهش مالیات بر درآمد برای خانوارهای بالا درآمدی سودمند است منجر به افزایش نابرابری درآمدی می‌شود.

اندایش و مهدیه (۱۳۸۳) در مقاله‌ای به بررسی مالیات‌ها بر شاخص قیمت تولیدکننده با رهیافت تحلیل مسیر ساختاری (SAM) پرداختند. نتایج این حاکی از آن است که در میان بخش‌های تولیدی افزایش یک میلیارد ریالی در مالیات تولیدات بخش خدمات، بیشترین اثر را بر روی شاخص قیمت تولیدکننده‌ها دارد؛ پس اگر هدف کنترل قیمت‌ها باشد، باید مالیات بر تولیدات این بخش کاهش یابد. مالیات‌بندی بر بخش صنایع وابسته به کشاورزی از نظر افزایش قیمت‌های نسبی در رده دوم قرار دارد، در این میان مالیات بر بخش معدن کمترین اثر را بر افزایش شاخص قیمت‌ها دارد. بنابراین اگر دولت بخواهد درآمد خود را از طریق مالیات افزایش دهد باید بر روی این بخش مالیات اعمال کند.

پیرائی و شهسوار (۱۳۸۷) در مقاله‌ای یارانه‌ها و مالیات‌های غیرمستقیم را از جنبه رفاه اجتماعی در ایران ارزیابی کردند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که طی سال‌های (۱۳۷۹-۱۳۸۳) در جوامع شهری و روستایی ایران افزایش اقلام خوراکی به افراد فقیر بیشتر از افراد غیرفقیر آسیب رسانده و پرداخت یارانه به گروه اقلام خوراکی (به جز گروه نوشابه و دخانیات) در جوامع شهری و روستایی به نفع افراد

<sup>4</sup> Christandl

<sup>5</sup> Amir

فقیر بوده است در حالی که افزایش قیمت در گروه‌هایی نظیر بهداشت و درمان، حمل و نقل و ارتباطات و تحصیل و آموزش به افراد غیرفقیر بیشتر از افراد فقیر آسیب رسانده است. بنابراین بازنگری در نحوه پرداخت یارانه و کاهش آن و اعمال مالیات در بر بخش‌های ذکر شده به منظور کاهش نابرابری و بهبود و اصلاح رفاه ضروری به نظر می‌رسد.

رعایائی و دیگران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر افزایش مالیات (یا کاهش یارانه) بخش خدمات آب، برق و گاز بر روی سطح قیمت سایر بخش‌ها پرداختند. با توجه به یافته‌های پژوهش مشاهده می‌شود که افزایش مالیات (یا کاهش یارانه) بر بخش خدمات آب، برق و گاز تنها باعث تأثیرگذاری بر خالص مالیات بر تولید و واردات بخش‌های ۶ گانه می‌شود و در این میان خود بخش خدمات آب، برق و گاز بیش از مابقی بخش‌ها متأثر می‌شود. پس از بخش خدمات آب، برق و گاز، بخش سایر خدمات در رتبه بعدی تأثیرگذاری قرار دارد. کشاورزی، صنعت و معدن، ساختمان و نفت و گاز نیز در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

#### ۴- روش شناسی

نظام‌مند کردن آمارهای اجتماعی با آمارهای نظام‌مند شده‌ی اقتصادی را ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM)<sup>۶</sup> می‌نامند.

ماتریس حسابداری اجتماعی از پنج حساب اصلی تشکیل شده است. این حساب‌ها شامل حساب تولید، حساب عوامل تولید، حساب نهادها، حساب انباشت و حساب دنیای خارج است (کیونینگ،<sup>۷</sup> ۱۹۹۶ و روند،<sup>۸</sup> ۲۰۰۳).

جدول (۱) ساختار یک ماتریس حسابداری متعارف را بر حسب حساب‌های درونزا نشان می‌دهد:

سطر مربوط به حساب تولید و مجموع اقلام آن، جمع درآمد تولیدکنندگان (تقاضای کل کالاها و خدمات) در اقتصاد را نشان می‌دهد. تقاضای کل از دو قسمت تشکیل شده است. قسمت اول تقاضای واسطه است که در تعامل حساب تولید با حساب تولید به صورت ماتریس مبادلات واسطه بین بخشی (درایه  $T_{11}$ ) نشان داده شده است و قسمت دوم تقاضایی نهایی است. تقاضای نهایی خود از اجزای زیر

<sup>۶</sup> Social Accounting Matrix

<sup>۷</sup> Keuning

<sup>۸</sup> Round

تشکیل شده است، مصرف کالاها و خدمات توسط نهادهای داخلی (خانوارها و شرکت‌ها)، درایه ( $T_{13}$ ) و سایر مصارف نهایی حاوی مصرف دولت، تشکیل سرمایه و صادرات کالاها و خدمات (درایه  $T_{14}$ ).

ستون حساب مذکور و اقلام تشکیل دهنده آن، جمع هزینه تولیدکنندگان را آشکار می‌کند. این هزینه‌ها از دو قسمت تشکیل می‌شود. هزینه واسطه بین بخشی درایه ( $T_{11}$ ) و هزینه عوامل اولیه. هزینه عوامل اولیه خود به دو جزء تقسیم می‌شود. پرداخت به عوامل تولیدی به صورت ارزش افزوده (درایه  $T_{21}$ ) و پرداخت به سایر نهادها و دنیای خارج، به صورت واردات کالاها و خدمات (درایه  $T_{41}$ ).

جدول ۱: الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی برحسب حساب‌های درونزا و برونزا

جمع ورودی-ها (تقاضا یا درآمد کل)	حساب‌های برونزا	حساب‌های درونزا			ورودی	خروجی
		۴- شامل انباشت و دنیای خارج	۳- درآمد نهادها	۲- عوامل تولید		
$Y_1$	$T_{12}$	$T_{11}$	0	$T_{13}$	۱- تولید	حسابهای درونزا
$Y_2$	$T_{22}$	$T_{21}$	0	0	۲- عوامل تولید	حسابهای درونزا
$Y_3$	$T_{32}$	0	$T_{32}$	$T_{33}$	۳- درآمد نهادها	
$Y_4$	$T_{42}$	$T_{41}$	$T_{42}$	$T_{43}$	۴- شامل انباشت و دنیای خارج	حسابهای برونزا
	$Y_4$	$Y_1$	$Y_2$	$Y_3$	جمع خروجی‌ها (عرضه یا هزینه کل)	

مأخذ: بانویی و پروین، ۱۳۸۷.

در ماتریس حسابداری اجتماعی می‌توان ضرایب فنی تولید را از تقسیم عناصر ماتریس بر  $Y_n$  بدست آورد. بطوری‌که:

$$1A_{ij} = T_{ij}/Y_j \quad (1)$$

در این صورت ماتریس  $A_{ij}$  به فرم ماتریسی به شکل زیر خواهد بود:

$$A = \begin{pmatrix} A_{11} & 0 & A_{13} \\ A_{21} & 0 & 0 \\ 0 & A_{32} & A_{33} \end{pmatrix} \quad (2)$$

در تجزیه و تحلیل‌های همزمان رشد و توزیع درآمد در ابعاد مقداری و در چارچوب الگوی متعارف ماتریس حسابداری اجتماعی، در شرایط متعارف از روابط

همزمان تراز تولیدی و تراز درآمدی عوامل تولید و نهادهای داخلی جامعه استفاده می‌شود که به شکل رابطه زیر است:

$$Y_n = A_n Y_n + X \quad (3)$$

$$Y_n = (I - A_n)^{-1} X = M \cdot X \quad (4)$$

$$\Delta Y_n = (I - A)^{-1} \Delta X = M \cdot \Delta X \quad (5)$$

رابطه فوق اثرات تغییرات یک واحد در هر یک از متغیرهای برونزا (اقلام ناشی‌ها) را بر افزایش تولید، افزایش درآمد عوامل تولید و افزایش درآمد نهادهای جامعه نشان می‌دهد. با ضرب قیمت در رابطه (۳) مشاهده می‌شود که بر اساس رابطه (۶)، هزینه تولید از حاصل جمع هزینه‌های درونزا و هزینه متغیرهای برونزا حاصل می‌گردد. در این رابطه بردار هزینه متغیرهای برونزا یا ناشی‌ها ( $L_n$ ) شامل مالیات‌ها، یارانه‌ها، نرخ ارز و مانند آن می‌باشد که برای سیاست‌گذاری‌های مالی دولت مورد استفاده قرار می‌گیرند.

$$P'_n Y_n = P'_n A_n Y_n + L_n \quad (6)$$

می‌توان رابطه قیمتی مذکور را به شکل رابطه کلی تراز هزینه (قیمت) به شکل رابطه (۷) ارائه نمود:

$$P_n = A'_n P_n + L_n \quad (7)$$

بر اساس رابطه (۷)، می‌توان رابطه (۸) را بر حسب بردار قیمت (هزینه) ارائه نمود:

$$P_n = (I - A'_n)^{-1} L_n = M'_n \cdot L_n \quad (8)$$

همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، رابطه (۸) کل هزینه نام را بر حسب واحد ارائه می‌کند چرا که یکی از خصوصیات اصلی جمع ضرایب ستونی جدول داده- ستانده و ماتریس حسابداری اجتماعی آن است که جمع ستونی عناصر هر حساب برابر واحد می‌باشد. واحد یعنی هزینه یک واحد که بیانگر شاخص قیمت است. از این جهت رابطه مذکور از دو قسمت تشکیل شده است، قسمت اول هزینه

واسطه سه حساب درونزااست  $(A'_n P_n)$  و قسمت دوم هزینه متغیرهای برونزا می‌باشد که بر حسب نسبت  $L_n$  بیان می‌گردد (بانویی و پروین، ۱۳۸۷). از این جهت، رابطه (۸)، یک رابطه میان اقلام نشتی‌ها و شاخص قیمت‌ها در اقتصاد می‌باشد و در آن ماتریس  $M'_n$  به عنوان ماتریس ضرایب فزاینده نشتی‌ها به قیمت و هزینه زندگی معرفی می‌شود.

با توجه به این توضیحات می‌توان آثار و تبعات هزینه متغیرهای برونزا را از طریق  $L_n$  بر تغییرات شاخص قیمت  $P_n$  را به صورت رابطه (۸) مورد بررسی قرار داد. در این میان شاخص‌های قیمتی که قیمت‌های حسابداری هستند شامل شاخص قیمت تولیدکننده (شاخص قیمت کالا و خدمات)، شاخص قیمت عوامل تولید و شاخص هزینه زندگی خانوارها می‌باشند. از این جهت در شرایط متعارف می‌توان رابطه (۸) شکل یک رابطه قابل استفاده برای سیاست‌گذاری اقتصادی ارائه نمود که برحسب آن می‌توان با تغییر در متغیرهایی مانند مالیات‌ها، یارانه‌ها و سایر اقلام هزینه‌ای برونزا را بر میزان تغییر در شاخص‌های قیمتی و هزینه زندگی مورد سنجش قرار داد.

$$\Delta P_n = (I - A'_n)^{-1} \Delta L_n = M'_n \cdot \Delta L_n \quad (9)$$

در رابطه بالا  $M'_n$  ماتریس انتقال قیمت<sup>۹</sup> نامیده می‌شود و برابر با  $(I - A'_n)^{-1}$  و  $L$  قسمت برونزا و دنیای خارج ماتریس حسابداری اجتماعی می‌باشد.  $M'_n$  ترانسپوز  $M$  می‌باشد پس  $M$  برابر است با  $(I - A_n)^{-1}$ .

با توجه به توضیحات فوق، برای محاسبه تغییرات شاخص هزینه زندگی خانوارها با توجه به افزایش مالیات بر بخش‌های اقتصادی از رابطه زیر استفاده شده است:

$$\Delta P = M' \cdot \Delta L \quad (10)$$

در رابطه فوق،  $L$  تغییرات اقلام نشتی‌ها در ارتباط با مالیات‌گیری از بخش‌های اقتصادی را بیان می‌کند و تغییرات را از یک دوره نسبت به دوره قبل نشان می‌دهد.  $P$  تغییرات شاخص قیمت‌ها را بیان می‌کند که در اینجا منظور شاخص هزینه زندگی خانوارها است.

<sup>9</sup> Price-Transmission Matrix



## ۵- پایه‌های آماری و فرآیند تعدیل آنها

ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ توسط دکتر بانوئی و همکارانش در سال ۱۳۸۹ برای انجام طرح پژوهشی در محور بررسی اثرات هدفمندی یارانه‌ها در وزارت بازرگانی تدوین شده است. ماتریس مذکور ۱۶۱ سطر و ستون دارد. این ماتریس بر حسب گروه کالایی (CPC) دارای ۱۴۷ سطر و ستون مربوط به حساب تولید، ۳ سطر و ستون مربوط به عوامل تولید، ۱۰ سطر و ستون مربوط به خانوارهای شهری و روستایی (پنج پنجک خانوارهای شهری و پنج پنجک خانوارهای روستایی) و ۱ سطر و ستون مربوط به شرکت‌ها است، سایر سطر و ستون‌ها مربوط به حساب‌های برونزا شامل: مالیات بر تولید و واردات، یارانه بر تولید و واردات، انباشت سرمایه و دنیای خارج می‌باشد. در حساب تولید، ۵۴ سطر و ستون مربوط به بخش خدمات، ۱۲ سطر و ستون مربوط به بخش کشاورزی و ۸۱ سطر و ستون مربوط به بخش صنعت می‌باشد.

استفاده از طبقه‌بندی کالایی در این ماتریس این مزیت را دارد که می‌تواند الگوی مصرفی خانوارها با توجه به خواسته‌های آنها در مورد شاخص هزینه‌ی زندگی (رفاه) نسبت به طبقه‌بندی بخشی بهتر آشکار نماید (کیونینگ، ۱۹۸۹ و یوسف، ۲۰۰۶).

در این تحقیق به منظور بررسی اثرات افزایش نرخ مالیات بر روی شاخص هزینه زندگی خانوارها از رویکرد هزینه‌ای ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ استفاده گردیده است. محاسبه این اثرات از طریق نرم افزار *IO-SAM* و *MATS* صورت گرفته است.

## ۶- تحلیل نتایج

قبل از ارائه نتایج و تحلیل آن، توضیح نکاتی ضروری است. اول، منظور از مالیات، مجموع مالیات بر تولید و خالص سایر مالیات بر تولید، است که بر مجموع ارزش تولید (جبران خدمات کارکنان، درآمد مختلط و مازاد عملیاتی) تقسیم شده است. دوم اینکه در اینجا فقط اثر مالیات بر شاخص هزینه زندگی خانوارها محاسبه می‌شود. سوم، منظور از اعمال مالیات، افزایش یک واحد (۱۰۰ درصد) نرخ مالیات بر هر یک از بخش‌های اقتصادی بر تغییرات شاخص هزینه زندگی خانوارهای

<sup>10</sup> Yusuf

شهری و روستایی است. چهارم اینکه ۴۰ خانوارهای کم درآمد منظور چهار دهک یا دو پنجک پایین درآمدی و خانوارهای پردرآمد منظور خانوارهای دو دهک یا پنجک بالای درآمدی است. در نهایت حاصل محاسبات این تحقیق مشتمل بر جداول زیادی است که در اینجا برای هر سناریو از چند جدول مختصر استفاده نموده تا اولویتهای برتر مالیات‌گیری بخش‌های اقتصادی را بیان کنیم.

جدول (۲) نشان می‌دهد که یک واحد مالیات‌گیری از کدام بخش‌های اقتصادی شاخص هزینه زندگی خانوارهای روستایی را بیشتر از خانوار شهری افزایش می‌دهد.

به عنوان مثال با اعمال یک واحد مالیات بر بخش برق و خدمات مربوط مشاهده می‌گردد که بطور متوسط شاخص هزینه زندگی خانوارها در مناطق شهری و روستایی به ترتیب به ترتیب ۰/۴۶ واحد و ۰/۵۳ واحد افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، خانوارهای مذکور به منظور حفظ سبد مصرفی خود نیاز به درآمد اضافی به ترتیب ۰/۴۶ واحد و ۰/۵۳ واحد دارند. در این مورد، چنانچه ارقام ۰/۴۶ واحد و ۰/۵۳ واحد را ملاک متوسط کاهش رفاه خانوارهای شهری و روستایی قرار داده شود، مشاهده می‌گردد که میزان آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری است. در نگاهی کلی با توجه به این جدول مشاهده می‌گردد مالیات‌گیری از بخش برق و خدمات مربوط، هزینه زندگی خانوارهای روستایی را به میزان ۰/۰۶۵ بیشتر از خانوارهای شهری افزایش می‌دهد و این بخش از نظر مالیات‌گیری در اولویت قرار ندارد.

پس از بخش برق و خدمات به ترتیب بخش‌های نفت سفید با ۰/۰۵۷، آرد با ۰/۰۴۸، روغن‌های گیاهی و حیوانی با ۰/۰۳۷۵، خدمات حمل و نقل جاده‌ای مسافر با ۰/۰۳۱ و چای با ۰/۰۲۶ واحد در رتبه‌های بعدی قرار دارند که هزینه‌های خانوارهای روستایی را بیشتر افزایش می‌دهند. طبق این جدول مالیات‌گیری از وسایل نقلیه موتوری، تریلرها، ساختمان مسکونی، خدمات اجاره واحدهای مسکونی و خدمات حمل و نقل هوایی هزینه زندگی خانوارهای روستایی را کمتر افزایش می‌دهند و این بخش‌ها از نظر مالیات‌گیری در اولویت هستند. به عبارت دیگر برای بهبود توزیع درآمد و برای کاهش شاخص هزینه زندگی خانوارهای کم درآمد باید از این بخش‌ها مالیات بیشتری گرفت و تمرکز

مالیات‌گیری بر بخش‌های نفت سفید، آرد، برق، خدمات حمل و نقل و چای را کاهش داد.

جدول ۲: شاخص‌های هزینه زندگی خانوارها شهری و روستایی

چای	خدمات حمل و نقل جاده ای مسافر	روغن‌های گیاهی و حیوانی	آرد	نفت سفید	برق و خدمات مربوط	نام بخش
						خانوارها
۰/۰۰۰۸۳	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۱۱	۰/۰۰۱۰۵	۰/۰۰۰۹۲	۰/۰۰۵۳	روستایی
۰/۰۰۰۵۷	۰/۰۰۱۸۴	۰/۰۰۰۷۳	۰/۰۰۰۵۷	۰/۰۰۰۳۴	۰/۰۰۴۶	شهری
۰/۰۰۰۲۶	۰/۰۰۰۳۱	۰/۰۰۰۲۷	۰/۰۰۰۴۸	۰/۰۰۰۵۷	۰/۰۰۰۶۵	تفاضل شاخص هزینه دو گروه

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۲: ادامه

قطعات و وسایل نقلیه موتوری	واحدهای مسکونی اجاری	حمل و نقل هوایی	اجاره واحدهای مسکونی شخصی	ساختمان‌های مسکونی	وسایل نقلیه موتوری، تریلر	نام بخش
						خانوارها
۰/۰۰۴۶	۰/۰۰۰۴۲	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۲۴	۰/۰۰۲۱۰	۰/۰۰۶۳	روستایی
۰/۰۰۵۰	۰/۰۰۱۰	۰/۰۰۲۹	۰/۰۰۳۴	۰/۰۰۳۱	۰/۰۰۷۶	شهری
-۰/۰۰۰۴۲	-۰/۰۰۰۰۶	-۰/۰۰۰۰۷	-۰/۰۰۰۰۹	-۰/۰۰۰۱	-۰/۰۰۰۳۱	تفاضل شاخص هزینه دو گروه

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول شماره (۳) نشان می‌دهد مالیات‌گیری از کدام بخش‌های اقتصادی شاخص هزینه زندگی خانوارهای کم درآمد را بیشتر از خانوارهای پردرآمد افزایش می‌دهد. طبق ارقام این جدول اعمال یک واحد مالیات بطور مثال بر بخش خدمات حمل و نقل جاده‌ای بطور متوسط شاخص هزینه زندگی خانوارهای کم درآمد و پردرآمد را به ترتیب ۰/۸۶ واحد و ۰/۵۹ واحد افزایش می‌دهد، که با توجه به این ارقام برای بهبود توزیع عادلانه درآمد و بهبود رفاه چون آسیب‌پذیری اقشار کم درآمد از اعمال این نوع مالیات بیشتر است باید از بخش خدمات جاده‌ای مالیات کمتر گرفته شود.

با نگاهی به سطر ۴ جدول می‌توان نتیجه گرفت که مالیات بر کدام بخش‌ها هزینه زندگی خانوارهای کم درآمد را بیشتر از پردرآمدها افزایش می‌دهد. همانگونه که ملاحظه می‌شود مالیات‌گیری از بخش حمل و نقل جاده‌ای بار، شاخص هزینه زندگی خانوار کم درآمد را به میزان ۰/۲۷ واحد بیشتر از خانوار پر درآمد افزایش

می‌دهد و در رتبه اول قرار دارد. پس از این بخش گوشت و محصولات گوشتی با ۰/۱۵ واحد، خدمات اجاره واحدهای مسکونی شخصی با ۰/۰۸۰ واحد، ساختمان‌های مسکونی با ۰/۰۷۱ واحد، محصولات لبنی با ۰/۰۶۷ واحد و انواع نان با ۰/۰۶۴ واحد، از نظر افزایش بیشتر شاخص هزینه زندگی خانوارهای کم نسبت به پردرآمد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

این نتایج نشان می‌دهد که مصرف خانوارهای کم درآمد از این اقلام بیشتر است و اگر مالیات گرفته شود هزینه زندگی این خانوارها را بیشتر افزایش می‌دهد و بنابراین بهبود توزیع درآمد و کاهش این هزینه‌ها باید از این بخش‌ها مالیات کمتر گرفته شود.

و در مقابل از بخش‌های وسیله نقلیه موتوری، تلیرها، قطعات و لوازم موتوری، حمل و نقل هوایی، خدمات پست و مخابرات که شاخص هزینه زندگی خانوارهای کم درآمد را نسبت به خانوار پردرآمد کمتر افزایش می‌دهد مالیات بیشتر گرفته شود.

جدول ۳: شاخص‌های هزینه زندگی خانوارها بر درآمد و کم درآمد

نام بخش خانوارها	خدمات حمل و نقل جاده ای بار	محصولات گوشتی	خدمات اجاره واحدهای مسکونی شخصی	ساختمان‌های مسکونی	محصولات لبنی	انواع نان
کم درآمد	۰/۰۰۸۶	۰/۰۰۶۲۵	۰/۰۰۳۲	۰/۰۰۲۸	۰/۰۰۲۰۴	۰/۰۰۱۱۹
پردرآمد	۰/۰۰۵۹	۰/۰۰۴۶۶	۰/۰۰۲۴۲	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۱۳۶	۰/۰۰۰۵۵
تفاضل شاخص هزینه دو گروه	۰/۰۰۲۷	۰/۰۰۱۵۸	۰/۰۰۰۸۰	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۰۶۷	۰/۰۰۰۶۴

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۳: ادامه

نام بخش خانوارها	وسایل نقلیه موتوری و تریلرها	قطعات الحاقی وسایل نقلیه موتوری	خدمات حمل و نقل هوایی	خدمات پست و مخابرات	خدمات پشتیبانی و حمل و نقل	بنزین
کم درآمد	۰/۰۰۵۱	۰/۰۰۳۸	۰/۰۰۱۹	۰/۰۰۲۲	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۲۶
پردرآمد	۰/۰۱۳۴	۰/۰۰۶۸	۰/۰۰۴۶	۰/۰۰۳۲	۰/۰۰۲۲	۰/۰۰۳۳
تفاضل شاخص هزینه دو گروه	۰/۰۰۸۳	۰/۰۰۳۰	۰/۰۰۲۷	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۶۹

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول شماره (۴) اثرات مستقیم یک واحد افزایش نرخ مالیات را بر شاخص هزینه زندگی خانوارها را با توجه به این که ۴۰٪ کم درآمد خانوارهای شهری و

روستایی به صورت مستقیم مالیات پرداخت نمی‌کنند، نشان می‌دهد. طبق این جدول، نتایج نشان می‌دهد برای بهبود توزیع درآمد باید از بخش‌های قند و شکر، نفت خام، گاز طبیعی، سنگ آهن، سنگ مس و مواد پلاستیکی مالیات گرفته شود، به دلیل اینکه مالیات‌گیری شاخص هزینه زندگی خانوارهای کم درآمد را تغییر نمی‌دهد. اما بر بخش‌های خدمات حمل و نقل جاده‌ای، گوشت و محصولات گوشتی، خدمات اجاره‌ای واحدهای مسکونی شخصی، برق و خدمات مربوط که در اثر مالیات‌گیری شاخص هزینه زندگی خانوارها به ترتیب به میزان ۰/۳۵ واحد، ۰/۳۴ واحد، ۰/۱۷ واحد و ۰/۱۲ واحد افزایش می‌یابد، بهتر است مالیات گرفته نشود.

جدول ۴: شاخص‌های هزینه زندگی خانوارها

نام بخش خانوارها	چغندر قند و نیشکر	نفت خام	گاز طبیعی	سنگ آهن و کنسانتره‌های آن	سنگ مس و کنسانتره‌های آن	مواد پلاستیکی و کائوچویی
۴۰ کم درآمدها	۰	۰	۰	۰	۰	۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۴: ادامه

نام بخش خانوارها	خدمات حمل و نقل جاده ای بار	گوشت و محصولات گوشتی	خدمات اجاره واحدهای مسکونی شخصی	برق	محصولات لبنی	خدمات حمل و نقل جاده ای مسافر
۴۰ کم درآمدها	۰/۰۰۳۵	۰/۰۰۳۴	۰/۰۰۱۷	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۱۱

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول شماره (۵) نشان می‌دهد برای این که ۴۰٪ کم درآمد شهری و روستایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم مالیاتی کمتر از سایر خانوارها پرداخت کنند باید از کدام بخش‌های اقتصادی و با چه اولویتی مالیات گرفت؟

همانگونه که ملاحظه می‌شود مالیات‌گیری از بخش‌های وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، قطعات و وسایل نقلیه موتوری، قطعات و لوازم الحاقی وسایل نقلیه موتوری، خدمات حمل و نقل هوایی، بنزین، خدمات پست و مخابرات، تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو، تلویزیون و مخابرات شاخص‌های هزینه زندگی ۴۰٪ کم درآمد خانوارهای شهری و روستایی را به ترتیب معادل ۰/۳۱۲

واحد، ۰/۱۶۱ واحد، ۰/۱۰۸ واحد، ۰/۰۵۶ واحد، ۰/۰۵۱ واحد و ۰/۰۴ واحد کمتر از سایر خانوارها افزایش می‌دهد.

این اعداد بیانگر این است که با یک واحد مالیات‌گیری از این بخش‌ها به دلیل پرداخت مالیات کمتر، هزینه زندگی ۴۰٪ خانوارهای کم درآمد شهری و روستایی کمتر افزایش می‌یابد. از طرف دیگر، به دلیل اینکه مصرف خانوارهای پردرآمد از این بخش‌ها بالاست، میزان بیشتری از افزایش نرخ مالیات بر این طبقه تحمیل می‌شود که به نوبه خود باعث بهبود توزیع درآمد و کمک به اقشار کم درآمد خواهد شد. بنابراین، برای بهبود توزیع درآمد، بهتر است از این بخش‌ها با اولویت بیان شده مالیات گرفته شود. به علاوه و با همین رویکرد، بهتر است از بخش‌های حمل و نقل جاده‌ای بار، محصولات گوشتی، انواع نان، خدمات اجاره‌ای، واحدهای مسکونی شخصی و ساختمان‌های مسکونی کمتر مالیات گرفته شود.

جدول ۵: شاخص‌های هزینه زندگی خانوارها

بخش خانوارها	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها	قطعات و وسایل نقلیه موتوری	خدمات حمل و نقل هوایی	بنزین	خدمات پست و مخابرات	تجهیزات رادیو و تلویزیون و مخابرات
۴۰ کم درآمدها	۰/۰۰۵۱۰	۰/۰۰۲۸۵	۰/۰۰۱۹۴	۰/۰۰۲۶	۰/۰۰۲۲۹	۰/۰۰۱۳۱
سایر خانوارها	۰/۰۰۸۲۲	۰/۰۰۵۴۶	۰/۰۰۳۰۲	۰/۰۰۳۱	۰/۰۰۲۸۰	۰/۰۰۱۷۱
تفاضل شاخص هزینه دو گروه	۰/۰۰۳۱۲	-۰/۰۰۱۶۱	-۰/۰۰۱۰۸	-۰/۰۰۰۵۶	-۰/۰۰۰۵۱	-۰/۰۰۰۰۴

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۵: ادامه

نام بخش خانوارها	خدمات حمل و نقل جاده‌ای بار	گوشت و محصولات گوشتی	انواع نان	اجاره واحدهای مسکونی شخصی	ساختمان‌های مسکونی
۴۰ کم درآمدها	۰/۰۰۸۶۳۱	۰/۰۰۶۲۵۶	۰/۰۰۱۱۹۹	۰/۰۰۳۲۳	۰/۰۰۲۸۶۳
سایر خانوارها	۰/۰۰۶۲۳۶	۰/۰۰۵۶۰۲	۰/۰۰۰۷۶۵	۰/۰۰۲۸۰۱	۰/۰۰۲۴۷۴
تفاضل شاخص هزینه دو گروه	۰/۰۰۲۳۹۵	۰/۰۰۰۶۵۴	۰/۰۰۰۴۲۳	۰/۰۰۰۴۲۹	۰/۰۰۰۰۳۹

مأخذ: محاسبات تحقیق

## ۷- خلاصه و نتیجه‌گیری

سیاست‌های مالی دولت معمولاً می‌تواند در کاهش نابرابری و توزیع مجدد درآمدها مؤثر باشد. به عبارت دیگر، دولت می‌تواند به نحوی توزیع مجدد درآمدها را تنظیم کند که باعث کاهش فاصله طبقاتی درآمد بین گروه‌های مختلف جامعه شود. اتخاذ سیاست مالیاتی می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت توزیع درآمد تلقی شود. در این مطالعه به بررسی و تعیین اولویت مالیات‌گیری از بخش‌های اقتصادی در جهت بهبود توزیع درآمد با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰ پرداخته شد.

هدف اصلی، بررسی کمی آثار و تبعات مستقیم و غیرمستقیم سیاست‌های مالیاتی بر شاخص هزینه زندگی خانوارها است. ابتدا ضمن بررسی جنبه‌های نظری SAM در دو رویکرد درآمدی و هزینه‌ای، رویکرد هزینه‌ای در قالب الگوی قیمت SAM در تحلیل‌های سیاستی شاخص هزینه زندگی خانوارهای شهری و روستایی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج با استفاده از چهار سناریو به صورت زیر بدست آمد:

سوال ۱: مالیات‌گیری از کدام بخش‌های اقتصادی شاخص هزینه زندگی خانوارهای روستایی را بیشتر از خانوارهای شهری افزایش می‌دهد؟ با توجه به سوال اول مالیات‌گیری از وسایل نقلیه موتوری، تریلرها، ساختمان مسکونی، خدمات اجاره واحدهای مسکونی و خدمات حمل و نقل هوایی هزینه زندگی خانوارهای روستایی را کمتر افزایش می‌دهند و این بخش‌ها از نظر مالیات‌گیری در اولویت هستند.

سوال ۲: مالیات‌گیری از کدام بخش‌های اقتصادی شاخص هزینه زندگی خانوارهای کم درآمد را بیشتر از خانوارهای پردرآمد افزایش می‌دهد؟ با توجه به سوال دوم نتایج نشان می‌دهد برای بهبود توزیع درآمد از بخش‌های وسیله نقلیه موتوری، تلیرها، قطعات و لوازم موتوری، حمل و نقل هوایی، خدمات پست و مخابرات که شاخص هزینه زندگی خانوارهای کم درآمد را نسبت به خانوار پردرآمد کمتر افزایش می‌دهد مالیات گرفته شود؟

سناریو ۱: با فرض اینکه ۴۰ درصد کم درآمد خانوارهای شهری و روستایی به صورت مستقیم مالیاتی پرداخت نکنند باید از کدام بخش‌های اقتصادی مالیات گرفت؟ با توجه به سناریو اول برای دست یافتن به اهداف تحقیق باید از بخش‌های قند و شکر، نفت خام، گاز طبیعی، سنگ آهن و کنسانتره‌های آن، سنگ مس و

کنسانتره‌های آن، مواد پلاستیکی و کائوچویی اساسی، الیاف مصنوعی، آهک، فلزات قیمتی کار نشده، مس، آلومینیوم، سایر فلزات اساسی، ماشین آلات کشاورزی و قطعات مربوط، وسایل و تجهیزات حمل و نقل آبی، خدمات واحدهای مسکونی، خدمات خبرگزاری‌ها، خدمات تأمین اجتماعی اجباری مالیات گرفته شود، به دلیل اینکه مالیات‌گیری از این بخش‌ها شاخص هزینه زندگی خانوارها را تغییر نمی‌دهد؟ سناریو ۲: با فرض اینکه ۴۰ درصد کم درآمد خانوارهای شهری و روستایی به صورت مستقیم و غیر مستقیم مالیاتی کمتر از سایر خانوارها پرداخت کنند باید از کدام بخش‌های اقتصادی و با چه اولیاتی مالیات گرفت؟ با توجه به سناریو دوم از بخش‌های حمل و نقل جاده‌ای بار، محصولات گوشتی و لبنی، انواع نان، خدمات اجاره‌ای، واحدهای مسکونی شخصی و ساختمان‌های مسکونی باید مالیات کمتر گرفته شود.



## فهرست منابع:

- اندایش، یعقوب و امید مهدیه. (۱۳۸۳). بررسی مالیات بر شاخص قیمت تولید کننده با رهیافت تحلیل مسیر ساختاری (SAM). فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، ۱ (۲): ۳۷-۶۰.
- بانویی، علی اصغر و سهیلا پروین. (۱۳۸۷). تحلیل‌های سیاستی آثار حذف یارانه ی کالاهای اساسی بر شاخص هزینه زندگی خانوارهای شهری و روستایی در چارچوب تحلیل مسیر ساختاری. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصاد سابق)، ۵ (۴): ۳۳-۱.
- بانویی، علی اصغر و فرشاد مومنی. (۱۳۸۹). تحلیل‌های ضرایب فزاینده رشد و توزیع درآمد در چارچوب ماتریس حسابداری اجتماعی: مورد ایران و کشورهای منتخب. ویژه‌نامه بازار سرمایه، ۷: ۱۹۷-۱۷۳.
- بانویی، علی اصغر. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین توزیع درآمد و افزایش تولید در اقتصاد ایران با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۳: ۱۱۷-۹۵.
- بانویی، علی اصغر، سهیلا پروین و علی فریدزاد. (۱۳۹۰). اثرات قیمتی مالیات بر ارزش افزوده با استفاده از تکنیک داده-ستانده (مورد ایران). فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۴۷: ۱۲۷-۱۰۵.
- بانویی، علی اصغر، محمد جلوداری ممقانی، یعقوب اندایش، حسن علیزاده و مینا محمودی. (۱۳۸۳). بررسی کمی تعاملات بخش‌های اصلی اقتصاد کشور در قالب تحلیل مسیر ساختاری. پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۰: ۱۴۵-۱۲۰.
- پیرائی، خسرو و محمدرضا شهسوار. (۱۳۸۷). ارزیابی یارانه‌ها و مالیات‌های غیر مستقیم از جنبه رفاه اجتماعی در ایران. نشریه‌نامه اقتصادی، ۱: ۱۴۸-۱۱۹.
- رعایائی، مهدی، مهدی قائمی اصل و سید مهدی موسوی برودی. (۱۳۹۰). ارزیابی میزان تأثیرپذیری قیمتی بخش‌های اقتصادی از کاهش یارانه بخش خدمات آب، برق و گاز. فصلنامه راهبرد یاس، ۲۵: ۶۶-۵۱.
- ماسگریو، ریچارد ا. و ماسگریو، پیگی ب. (۱۳۷۲). مالیه عمومی در تئوری و عمل. ترجمه: مسعود احمدی، یدالله ابراهیمی‌فر. سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی.

Amir, H., A-A. John & D. Tien. (2013). The impact of the Indonesian income tax reform: A CGE analysis. *Economic Modelling*, 31: 492-501.

Christandl, F., D. Fetchenhauer & E. Hoelzl. (2011). Price Perception and Confirmation Bias in the Context of a VAT Increase. *Journal of Economic Psychology*, 32: 131-141.

Chu, K., H. Davoodi. & S. Gupta. (2000). Income Distribution and tax and Government spending policies in developing countries. IMF working paper, Washington.

Keuning, S. (1989). Measuring Welfare with a Social Accounting Matrix, with Special Reference to Indonesia”, *Netherland Review of Development Studies*, 2: 121-141.

Keuning, S. (1996). Accounting For Economic Development and Social Chang. IOS, Press, Chap.1.

Khan, A. H. (2007). Social Accounting Matrix: A Short Introduction. Working Paper No. F. 477, University of Denvor, U.S.A.

Leonid, A. L. (2001). The equity tax and shelter. Boston University, Institute des hautes etudes scientifiques.

Musgrave, R. A. (1959). The Theory of Sector Finance. Mc Graw- Hill.

Parra, J. C. & Q. Wodon. (2008). Comparing the Impact of Food and Energy Price Shocks on Consumers: A Social Accounting Matrix Analysis for Ghana. Policy Research Working Paper 4741.

Pyatt, G. & J. I. Round. (1985). Social Accounting Matrices; A Basis for Planning. World Bank, Washington D C.

Round, I. J. (2003). Constructing SAMS for Development Policy Analysis: Lessons Learned and Challenges Ahead. *Economic Systems Research*, Vol. 5, No. 2.

Son, H. H. (2003). Is Thailand's Fiscal System Pro – Poor Looking From Income and Expenditure Components. The World Bank.